

## Validation of the Document and Content of the Interpretive Narrations of the Six Days “Case Study of Vers 54, A’raf Sura”

Narges Shekarbeygi <sup>\*1</sup>Tayebeh Babaeiyan<sup>2</sup>

### Abstract

The phrase “Six Days” (A’raf: 54), which refers to the creation of the heavens and the earth in “six days”, goes back to the beginning of creation. From the first centuries of the history of interpretation until now, this issue has been the place of conflict between the opinions and the multiplicity of opinions of the commentators of the two sects with different schools of thought and different interpretive methods; It has been narrative, mystical, ijtiḥad and scientific, etc. In the meantime, a considerable number of commentators have interpreted the phrase “Six Days” into worldly days, and have also quoted ḥadīths about it, which coincide with the beginning of creation on Saturday, Sunday or Monday. This article, which has been done by descriptive method and using documentary tools, has tried to criticize the falsification of such ḥadīths or their example of being Israeli by presenting various scientific reasons and evidences. Evaluations indicate that the narrators and masters of these ḥadīths are suspicious and rejected, and almost none of the ḥadīths are free from weakness. The mentioned ḥadīths also have an anxious text in terms of text, and by presenting their content to the sound criteria of ḥadīth criticism, including the Qur’an and science, it is proved that they are distorted. Considering the scientific miracle of the Qur’an and the explanatory approach of the authentic ḥadīths to the generalities of the Qur’an, identifying the pure and nonpure ḥadīths in this field, while achieving the principle of guidance, will be a barrier to establishing distorted ḥadīths in the name of Islam and claiming its teachings contradict with science by dissidents.

### Keywords

Six Days, Beginning of Creation, Israelites, Interpretation, Validation.

**Citation:** Shekarbeygi, N., Babaian, T (2020) Validation of the Document and Content of the Interpretive Narrations of the Six Days “Case Study of Vers 54, A’raf Sura”. Bi-quarterly Scientific Journal of Studies on Understanding Ḥadīth. Vol. 7, No. 1 (Serial. 13), pp. 57-82.

- 
1. Responsible Author, Assistant Professor, Department of Islamic Education, Kermanshah University of Medical Sciences. Email: shekarbeygi.n@gmail.com
  2. M.A. Student of Quran and Ḥadīth Studies, Qom University of Endowments and Charities, Kermanshah Faculty of Quranic Sciences. Email: t.b.hoo.110@gmail.com
- Received on: 27/06/2020      Accepted on: 21/09/2020

DOI: 10.30479/MFH.2020.2250

## اعتبارسنجی سندی و محتوایی روایات تفسیری «سِتَّةِ آیامٍ» (مطالعه موردی آیه ۵۴ سوره اعراف)

نرگس شکر بیگی<sup>۱</sup>  
طیبه باباییان<sup>۲</sup>

### چکیده

عبارت «سِتَّةِ آیامٍ» (الاعراف: ۵۴) که به آفرینش آسمان و زمین در «شش روز» اشاره دارد، به شروع خلقت برمی‌گردد. این مسئله از سده‌های نخستین تاریخ تفسیر تاکنون محل تضارب آرا و تعدد نظرات مفسران فریقین با مسلک‌های فکری متعدد و روش‌های تفسیری متفاوت؛ اعم از روایی، عرفانی، اجتهادی و علمی و .... بوده است. در این میان، تعداد قابل توجهی از مفسران عبارت «سِتَّةِ آیامٍ» را به روزهای دنیایی تفسیر کرده‌اند و احادیثی نیز در این باره آورده‌اند که آغاز خلقت را با روز شنبه، یک‌شنبه یا دوشنبه مصادف می‌داند. این مقاله که با روش توصیفی و استفاده از ابزار اسنادی انجام شده است، سعی داشته تا با ارائه دلایل و شواهد متعدد علمی، مخدوش بودن این قبیل احادیث یا مصداق اسرائیلیات بودن آن‌ها را به بوته نقد گذارد. ارزیابی‌ها حاکی از آن است که اسانید و راویان این احادیث، مشکوک و مردود بوده و تقریباً هیچ‌یک از طرق حدیث خالی از ضعف نیست. احادیث مذکور به لحاظ متنی نیز دارای متنی مضطرب هستند و با عرضه محتوای آن‌ها به معیارهای متقن نقد حدیث از جمله؛ قرآن و علم، مخدوش بودن آن‌ها ثابت می‌شود. با توجه به اعجاز علمی قرآن و رویکرد تبیینی احادیث صحیح بر کلی‌گویی‌های قرآن، شناسایی احادیث سره از ناسره در این عرصه ضمن دستیابی به اصل هدایت، سدی بر دستمایه قرار دادن احادیث مخدوش به نام اسلام و ادعای تعارض تعالیم آن با علم توسط معاندین خواهد بود.

### کلیدواژه‌ها

سته‌ایام، آغاز خلقت، اسرائیلیات، تفسیر، اعتبارسنجی.

استناد: شکر بیگی، نرگس؛ باباییان، طیبه (۱۳۹۹). اعتبارسنجی سندی و محتوایی روایات تفسیری «سِتَّةِ آیامٍ» (مطالعه موردی آیه ۵۴ سوره اعراف)، دوفصلنامه علمی مطالعات فهم حدیث، ۷ (۱)، پیاپی ۱۳، صص ۵۷-۸۲.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (نویسنده مسئول).

shekarbeygi.n@gmail.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اوقاف و امور خیریه قم، دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه. t.b.hoo.110@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

## ۱. طرح مسأله

قرآن کریم آخرین سرش و حیانی به عنوان یک معجزه جامع و جاوید، دارای ابعاد اعجازی متفاوتی است. یکی از این ابعاد، اعجاز علمی آن است که در قرون اخیر اهمیتی دو چندان یافته است. چرا که پیشرفت‌های مسحور کننده بشر در زمینه علوم تجربی و کشف مجهولات و گشودن افق‌های جدید در باب دانش از یک سو و تعارض تعالیم کتب مقدس (تورات و انجیل) با علوم روز و پس رفت هر روزه آن در هم‌آورد با علوم تجربی از سوی دیگر، مسأله تعارض علم و دین را تقویت کرده است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۴ ش، ۱۲۷). در این میان قرآن که ساختش منزله از هر تحریف و خرافه است با اشارات و مطالب علمی که ریشه در علم الهی دارد، با درخششی بی نظیر مَهر باطلی بر این موهومات زده و ارتباط علم و دین را برجسته ساخت (زاهدی، ثمره هاشمی، ۱۳۹۲ ش، ۶۳).

شایان توجه است که علم و دین به مثابه دو بال پرواز انسان به سوی کمال و سعادت ابدی است و شائبه جدایی و تعارض میان علم و دین می‌تواند خسارتی به حیات معنوی و حتی مادی انسان‌ها وارد نماید که گاه غیرقابل جبران است؛ چرا که علم بدون پشتوانه دین، با تثبیت انگاره مادی‌گرایی، می‌تواند ابزاری در جهت مطامع استکباری بشر باشد. نمونه عینی این تعارض را در موضوع علوم تجربی و جنگ‌های بیولوژیک و ساخت سلاح‌های کشتار جمعی می‌توان دید. از طرفی دیگر، دین بدون پشتوانه علم نیز مطرود خردمندان جامعه بوده است. جهالت و افراطی‌گری در برخی از انشعابات دینی از گذشته تا عصر حاضر، نمونه واضحی از دین بدون پشتوانه علم و عقل‌گرایی است که دافعه و ضررهای گاه جبران‌ناپذیری را به بدنه اصلی دین وارد می‌سازد.

تدبر در جوانب مختلف معنایی قرآن کریم و توجه به ژرفای آن از زمان نزول قرآن کریم تا عصر حاضر، هم‌چنان این کتاب را منحصر به فرد و دارای تازگی‌های بی‌بدیل نموده است. توجه به ابعاد علمی و استفاده از علوم تجربی و دستاوردهای دانشمندان برای کشف، تفسیر و پی‌بردن به معنای آیات یکی از مسائل مهم در بین اندیشمندان و قرآن‌پژوهان بوده است. اشاره قرآن کریم به موضوعات علمی، فرع بر مسئله روشن‌گری و هدایت‌کنندگی قرآن است. اما از آن‌جا که طرح و پرداختن به مصادیق و نمونه‌هایی از اشارات علمی و تحلیل دیدگاه مفسران در خصوص آن مسئله می‌تواند راه‌گشای محققان باشد و در تعدیل نگاه مفسران موثر باشد، بر آن شدیم تا به یکی از اشارات قرآن کریم

و تحلیل روایات تفسیری که در کتب تفسیری فریقین وجود دارد پردازیم. عبارت «سِتَّةِ آيَاتٍ» از جمله عبارات رازآلود و اشارات علمی قرآن کریم است که در هفت سوره به آن اشاره شده است. یکی از این آیات آیه ۵۴ سوره مبارکه اعراف است: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...» (الأعراف: ۵۴). همچنین آیات دیگری با قدر مشترک «الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» در سوره‌های دیگر قرآن ذکر شده است که عبارتند از: (یونس: ۳؛ هود: ۷؛ الفرقان: ۵۹؛ السجده: ۴؛ ق: ۳۸؛ الحديد: ۴). نگاهی به مجموعه آیات نشان می‌دهد که خداوند آفرینش آسمان و زمین و هر آنچه را که بین این دو وجود دارد به «شش روز» تحدید کرده است. با توجه به سبک قرآن در طرح موضوعات به صورت کلی، مفسران گاه با تمسک به حدیث و گاهی با اجتهاد سعی در تفسیر آیات مذکور داشته‌اند.

با مرور تفاسیر ذیل آیات نامبرده از صدر اسلام تاکنون سوالات زیادی در این باره به ذهن متبادر می‌شود که شاید مهم‌ترین آن‌ها چگونگی وصف خلقت آسمان و زمین در شش روز است و این درحالی است که شواهد و یافته‌های علمی مدت زمان آفرینش و ایجاد آسمان و زمین را سالیان متمادی و بسی طولانی می‌داند؟ (ر ک: هاوکینگ، ۱۳۸۹ش، ۳۰).

مقاله پیش‌رو می‌کوشد تا با شناسایی اخبار و احادیث تفسیری فریقین در این باب، به گزینش تعبیر درست دست یازد. اهمیت موضوع و تعیین مصداق صحیح عبارت «سِتَّةِ آيَاتٍ» همواره محققان را بر آن داشته است که در این باره به بحث و بررسی پردازند و مطالبی را در این باره به رشته تحریر درآورند. بسیاری از مفسران در ذیل این آیات، مباحث مفصلی ارائه کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به تفسیر المیزان و تفسیر نمونه اشاره کرد که در ذیل آیات مذکور بحث مفصلی را مطرح کرده‌اند.

همچنین در این موضوع پژوهش‌هایی انجام شده از جمله؛ غلامرضا خوش‌نیت و همکاران (پاییز و زمستان ۱۳۹۶ش) در مقاله خود تحت عنوان «بررسی تطبیقی «سِتَّةِ آيَاتٍ» در دیدگاه فریقین» به بررسی تطبیقی نظرات فریقین درباره تفسیر عبارت «سِتَّةِ آيَاتٍ» پرداخته‌اند و احادیث وارده ذیل تفاسیر را بررسی نکرده‌اند. همچنین می‌توان از «مقاله آفرینش شش روزه و حرکت جوهری» (مصطفوی، ۱۳۹۲ش، ۹۱-۹۸) نام برد که در آن به بررسی نظریه ملاصدرا و ذکر نظریات مفسران فریقین پرداخته است. در این اثر نویسنده بیشتر سعی داشته خلقت شش روزه را بر نظریه حرکت جوهری ملاصدرا منطبق سازد.

یکی دیگر از مقالاتی که در ضمن آن به این مسأله پرداخته شده است مقاله‌ای است تحت عنوان: «اهمیت زمین‌شناسی از دیدگاه قرآن» (مفید کلانتری، ۱۳۸۳، ش، ۱۸). نگارنده این مقاله بیشتر از هر مسأله دیگری مباحث زمین‌شناسی و به طور کل، زمین را محور پژوهش خود قرار داده و فقط در بخشی از مقاله به تناسب هدف پژوهش به موضوع «سِتَّةِ آیَاتٍ» پرداخته است. جستار حاضر ضمن بررسی احادیث وارده در این باب، سعی در پیرایش تفسیر از احادیث موضوع در ذیل آیه شریفه داشته و پس از آن با مراجعه به قراین موجود در آیه، نزدیک‌ترین تعبیر را برگزیده است.

## ۲. دیدگاه‌ها و تفاسیر وارده در باب تفسیر «سِتَّةِ آیَاتٍ»

مفسران فریقین درباره تفسیر عبارت «سِتَّةِ آیَاتٍ» در طول تاریخ دیدگاه‌ها و تفاسیر متعدد و گاه متضادی ارائه کرده‌اند که عمده آن‌ها در ادامه به اختصار خواهد آمد. گفتنی است چون رسالت این مقاله نقد همه دیدگاه‌ها نبوده؛ در این جستار سعی بر آن است که به بررسی احادیث سه‌ایام، به ایام هفته و روزهای دنیایی پرداخته شود. بنابراین؛ از نقد مفصل همه نظریه‌ها صرف‌نظر کرده و تنها به نقد مجمل و گذرا بسنده می‌شود.

## ۲-۱. «سِتَّةِ آیَاتٍ» از اشارات قرآنی و امور غیبی است

برخی از مفسران بر این باورند که عبارت مذکور از اشاره‌های قرآنی و غیبی قرآن است که خداوند کسی را بر آن شاهد نگرفته، بنابراین هر نوع تفسیری در این زمینه جز حدس و گمان نمی‌تواند باشد و تنها هدف ذکر آن بیان یگانگی، عظمت، قدرت و وسعه و به طور کلی اثبات وجود واجب الوجود است و تنها بستری برای بلوغ و کمال انسانی است نه طرح مسائل علمی. پس برای پیشگیری از افتادن به ورطه حدس در آیات الهی باید از تفسیر آن پرهیز کرد (عزت دروزه، ۱۳۸۳، ش، ۲: ۲۴۹؛ سید بن قطب، ۱۴۱۲، اق، ۳: ۱۲۹۷).

اگرچه در مسئله اثبات وجود واجب الوجود و صفات او می‌توان از عبارت «سِتَّةِ آیَاتٍ» استفاده نمود، اما منعی هم برای تلاش برای تفسیر صحیح و علمی دقیق آیه دیده نمی‌شود. این در حالی است که سیره راسخان در علم چیزی غیر از این است. به عنوان مثال مسأله رتق و فتق آسمان و زمین نیز از مواردی است که وضعیتی شبیه به «سِتَّةِ آیَاتٍ» دارد، زیرا از امور آغاز خلقت است و به تعبیر این مفسران، خدا شاهدی بر انجام آن‌ها نگرفته است. اما می‌بینیم که حضرت علی (ع) در خطبه اول نهج البلاغه

به تفسیر و توضیح در این باره پرداخته است. این عمل ایشان خود به نوعی جواز برای تلاش برای دست‌یابی به تفسیر صحیح این قبیل اشارات می‌باشد.

## ۲-۲. «سِتَّةَ أَيَّامٍ» شش ساعت از شش روز از روزهای طولانی دنیا

در میان تفاسیر فریقین دو نفر از مفسران، تفسیری شاذ از این عبارت داشته‌اند که در هیچ‌یک از تفاسیر دیگر دیده نمی‌شود. در این دو تفسیر آمده است که محتمل است منظور از «سِتَّةَ أَيَّامٍ»: شش ساعت از شش روز از روزهای طولانی دنیا باشد (سورآبادی، ۱۳۸۰ش، ۲: ۷۵۵؛ سمرقندی، بی‌تا، ۱: ۵۲۱).

تفسیر بیان شده، شاذ بوده و در میان دیگر مفسران رواج ندارد. در قول بیان شده، مفسر برای اثبات مدعای خود هیچ دلیل لغوی یا روایی و ... نقل نکرده است و صرفاً بر اساس حدس و گمان شخصی است و خود مفسران هم آن را به صورت احتمالی بیان کرده‌اند.

## ۲-۳. «سِتَّةَ أَيَّامٍ» آفرینش شش عالم در شش زمان محدود از ماوراء ماده

برخی از مفسرین نگاهی عرفانی به تفسیر این عبارت داشته و با گذر از تنزیل و ظاهر آیات به عرصه تأویل وارد شده و تفسیر ویژه‌ای از آیه مورد بحث داشته‌اند. همچنان که آمده است: «یوم؛ به معنی زمان معین، محدود و روشنی است. البته معین و محدود بودن زمان به اعتبار وقایع صورت می‌گیرد. ممکن است محدود بودن زمان به شش وقت به اعتبار واقع شدن آفرینش عوالم، در شش زمان محدود باشد؛ اول: عالم امر که ماورای ملکوت است، مانند عقل. دوم: عالم ملکوت که ماورای ماده است، همچون ملائکه. سوم: عالم انسان که مرکب از روح و ماده است. چهارم: عالم حیوانات بحری، برّی و پرنده. پنجم: عالم نباتات از اشجار و گیاه‌های مختلف. ششم: عالم جمادات که مادون عوالم باشد و این شش عوالم به ترتیب و تدریج هرکدام در زمان محدود و معینی که مقتضی بوده خلق و تنظیم شده است و علم تفصیلی آن‌ها از هر جهت مخصوص پروردگار متعال است و امکان بحث و شرح بیش از این ممکن نیست (مصطفوی، ۱۳۸۰ش، ۱۰: ۳۷۹). این نوع تفسیر همچنین در تفسیر ابن عربی (۱۴۲۲ق، ۱: ۲۳۷) و بیان السعاده (۱۳۷۲ش، ۵: ۳۱۲) آمده است. البته این دیدگاه بدون هیچ قرینه و مؤید قرآنی و روایی، ذکر گردیده است.

## ۲-۴. «سِتَّةَ أَيَّامٍ» شش دوره و برهه از زمان

برخی از مفسران (شیعه) یوم را به معنای مقدار معینی از زمان (دوره) در نظر گرفته‌اند و گفته‌اند که منظور از یوم لزوماً همین شب و روز دنیایی و معهود ذهن ما که حاصل یکبار گردش زمین به دور خود و فاصله میان طلوع خورشید تا غروب آن نیست، زیرا روز، خود ظرف مقداری از زمان است. به عنوان نمونه روز برای ساکنان زمین با روز در قمر که برابر بیست و نه روز و نصف است متفاوت است. پس کلمه «یوم» به معنای برهه‌ای از زمان و دوره طولانی، استعمالی شایع دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۱: ۱۵۰). البته به نظر می‌رسد که این نظریه به صحت نزدیکتر باشد که در جای خود شواهد لازم در صحنه‌گذاری بر آن بیان خواهد شد.

## ۲-۵. «سِتَّةَ أَيَّامٍ» شش روز از روزهای دنیا

تعداد قابل توجهی از مفسران در تفسیر این عبارت قرآنی گفته‌اند که منظور از ایام؛ همین شبانه روز کوتاه دنیایی و معهود ذهن ماست (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ۵: ۱۴۷؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ۷: ۱۷۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۳: ۱۶؛ سیوطی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۱۶۰). در این میان برخی از مفسران مانند ابن ابی حاتم و طبری ذیل این عبارت ضمن آوردن احادیثی که در اثناى بحث مورد بررسی قرار می‌گیرد، آغاز خلقت را مصادف با یکی از روزهای هفته می‌داند (طبری، ۱۴۱۲ق، ۸: ۱۴۸).

با توجه به این که پیدایش شب و روز، معلول حرکت وضعی زمین و چرخش آن به دور خود و موقعیت آن نسبت به خورشید است (نیمی از زمین که رو به خورشید قرار می‌گیرد روز و نیم دیگر آن شب است) و از طرفی در آغاز آفرینش و قبل از خلقت خورشید و ستارگان و زمین طبیعتاً روز و شب به معنای کنونی آن، دور از ذهن است. تأمل در مضمون این اخبار و احادیث، موضوع اصلی جستار حاضر است.

## ۳. بررسی سندی احادیث وارده در باب تفسیر «سِتَّةَ أَيَّامٍ»

با بررسی کتب حدیثی فریقین و تفاسیر موجود، در تفسیر آیه شریفه احادیثی هست که به نظر می‌رسد ذکر آن‌ها هم به جهت بررسی سندی و هم به جهت تشکیل خانواده حدیثی برای پی بردن به صحت و سقم یا رد آن‌ها مفید اثر باشد. شایسته ذکر است که چون بعضی از احادیث به صورت مشترک در منابع فریقین آمده است لذا؛ از بیان آن‌ها به صورت تفکیکی در منابع ایشان صرف نظر می‌شود. این احادیث عبارتند از:

### ۱-۳. روایت اول

«حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ سِنَانِ الْبَصْرِيُّ، نَزِيلُ مِصْرَ، ثنا يَزِيدُ بْنُ أَبِي حَكِيمٍ، حَدَّثَنِي الْحَكَمُ بْنُ أَبَانَ، قَالَ: سَمِعْتُ مُجَاهِدًا، يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ بَدَأَ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَوْمَ الْأَحَدِ، ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي ثَلَاثِ سَاعَاتٍ، فَخَلَقَ فِي سَاعَةٍ مِنْهَا الشَّمْسُوسَ كَيْ يَرْغَبُ النَّاسُ إِلَى رَبِّهِمْ فِي الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ...»؛ و از عكرمه كه گفت: راستی خدا آفرینش آسمانها و زمین و هرچه میانشان است روز یکشنبه آغاز نمود، سپس روز جمعه بر عرش استوار شد در سه ساعت و در یک ساعتش خورشیدها را آفرید تا مردم رغبت کنند به دعا و مسألت از درگاه پروردگار خود (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ۵: ۱۴۹۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۴: ۲۰۷).

اولین و یکی از مهمترین نکات درباره خبر حاضر آن است که این خبر مستند به معصوم (ع) نبوده و در دسته احادیث ضعیف و مقطوع طبقه‌بندی می‌شود؛ بنابراین نمی‌تواند محل استناد و ارجاع قرار بگیرد. از سوی دیگر عكرمه مولای ابن عباس از طبقه دوم راویان بوده (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ۴۱) و جمهور علمای رجالی فریقین بر جرح وی اتفاق نظر دارند. احمد بن حنبل، عكرمه را ضعیف الحدیث و غیر ثقہ می‌داند (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۱: ۱۵۸). مالک نیز اعتنایی به روایات او ندارد (ابن عماد، ۱۴۱۳ق، ۱: ۱۳۰). علمای رجالی شیعه نیز نه تنها عكرمه را موجب مدحی ندانسته بلکه سزاوار ضد آن شمرده‌اند. مهمترین خرده‌ای که بر عكرمه گرفته‌اند، تعلق وی به مذهب خوارج است. علمای شیعه با استناد به روایات عامه، عكرمه را به کذب، خارجی‌گری، اباحی‌گری و عناد با حضرت علی (ع) و اهل بیت (ع) متهم کرده‌اند (بیاضی، بی‌تا، ۳: ۲۷۲؛ موسوی خویی، ۱۴۰۹ق، ۱۲: ۱۷۷؛ میلانی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۵۹).

البته بعضی دیگر هم نظر به تعدیل و توثیق عكرمه دارند و او را قابل اعتماد می‌دانند. شایان توجه است که در اختلاف جرح و تعدیل راویان، نظر مشهور فریقین این است که نتیجه، تابع اخس مقدمات بوده و جرح بر تعدیل مقدم می‌باشد (مؤدب، ۱۳۹۱ش، ۹۷) لذا با توجه به جرح عكرمه، حدیث فوق به لحاظ سندی دارای مشکلاتی است.

### ۲-۳. روایت دوم

«حَدَّثَنَا الْمُنْثَى، قَالَ: ثنا الْحَجَّاجُ بْنُ الْمُنْهَالِ، قَالَ: ثنا أَبُو عَوَانَةَ عَنْ أَبِي بَشْرِ، عَنْ مُجَاهِدٍ، قَالَ: بَدَأَ الْخَلْقَ: الْعَرْشَ وَالْمَاءَ وَالْهَوَاءَ، وَخَلَقَتِ الْأَرْضَ مِنَ الْمَاءِ، وَكَانَ بَدَأَ الْخَلْقَ يَوْمَ الْأَحَدِ وَالْإِثْنَيْنِ وَالثَّلَاثَاءِ وَالْأَرْبَعَاءِ وَالْحَمِيسَ، وَجَمَعَ الْخَلْقَ فِي يَوْمٍ



الْجُمُعَةِ، وَ تَهْوِدِ الْيَهُودِ يَوْمَ السَّبْتِ، وَ يَوْمَ مِنَ السَّبْتِ الْأَيَّامِ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعْدُونَ»؛ مجاهد گفت: آغاز کرد خدا به آفریدن عرش و آب و هوا و زمین را از آب آفرید و آغاز آفرینش روز یکشنبه بود و روز جمعه آفرینش فراهم شد، و یهود روز شنبه روش یهودی به خود گیرند و یک روز از این شش روز چون هزار سال است که شما شماره کنید (طبری، ۱۴۱۲ق، ۸: ۱۴۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۳: ۹۱؛ طوسی، بی تا، ۴: ۴۲۱).

اعتبار اقوال صحابه و تابعین، از نظر علمای شیعه منوط به این است که طریق صحیح داشته باشد، متضمن قول یا فعل و تقریر معصوم (ع) و راوی در زمره افراد موثق باشد. هرگاه این شرایط ثابت شود؛ اعتماد به اقوال صحابه و ... جایز است. اما چنانچه این شروط را نداشته باشد؛ تنها رأی و نظر شخصی صحابه است و جزو روایات موقوف و اقسام حدیث ضعیف خواهد بود که حجیتی ندارد (عاملی، ۱۴۱۳ق، ۳۴۳). اگرچه راویان این حدیث از نظر رجالیون اهل سنت ثقه هستند، اما در این نقل، مانند خبر قبلی و نقدی که بر آن در خصوص عکرمه ذکر گردید؛ چون از قول مجاهد بیان شده و مستند به کلام نبوی (ص) یا سخن معصوم (ع) نیست و به عبارتی مرسل است، پس با اجتهاد شخص ایشان تفسیر شده و این اجتهاد مستند به قرینه و شاهدی نیست، لذا نمی تواند به طور مستقل مورد استناد قرار گیرد و این برداشت را به عنوان تفسیر صحیح و کامل برای آیه شریفه در نظر گرفت.

### ۳-۳. روایت سوم

در روایتی به نقل از ابوهریره از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «حَدَّثَنِي سُرَيْجُ بْنُ يُونُسَ وَ هَارُونَ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَا حَدَّثَنَا حَجَّاجُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ قَالَ ابْنُ جُرَيْجٍ أَخْبَرَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ أُمِيَّةَ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ رَافِعٍ مَوْلَى أُمِّ سَلَمَةَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِيَدِي فَقَالَ: «خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ التُّرْبَةَ يَوْمَ السَّبْتِ، وَ خَلَقَ الْجِبَالَ فِيهَا يَوْمَ الْأَحَدِ، وَ خَلَقَ الشَّجَرَ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ، وَ خَلَقَ الْمَكْرُوهَ يَوْمَ الْثَلَاثَاءِ، وَ خَلَقَ الثُّورَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ، وَ بَثَّ فِيهَا الدَّوَابَّ يَوْمَ الْخَمِيسِ، وَ خَلَقَ آدَمَ بَعْدَ الْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ آخِرَ الْخَلْقِ، فِي آخِرِ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ الْجُمُعَةِ فِيمَا بَيْنَ الْعَصْرِ إِلَى اللَّيْلِ» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ۱۲: ۳۶۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۱: ۵۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۶: ۳۸۴)؛ ابی هریره گفت: پیغمبر دستم را گرفت و فرمود: خدا خاک را روز شنبه آفرید، و کوهها را روز یکشنبه، درخت را روز دوشنبه، بد را روز سه شنبه، نور را روز چهارشنبه و جانواران را روز پنجشنبه در زمین پراکند و آدم را عصر روز جمعه آفرید.

در تفسیر زاد المسیر روایاتی در این زمینه موجود است که عبارتند از:

اول: «يَوْمَ السَّبْتِ» (روز شنبه): روایت بالا که ابوهریره و سلم بیدی از رسول اکرم (ص) نقل نموده‌اند در کتاب صحیح مسلم آمده است (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ۲۷۸؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۲: ۱۲۷؛ بیهقی، ۱۴۱۹ق، ۹: ۳). همچنین احمد بن حنبل و نسایی با همین عبارت از ابوهریره نقل کرده‌اند روایت نسایی این طور است: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَوْمَ السَّابِعِ» (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۲: ۳۲۷).

دوم: «يَوْمَ الْأَحَدِ» (روز یکشنبه): «قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ، وَ كَعْبُ، وَ الضَّحَّاكُ، وَ مُجَاهِدٌ، وَ اخْتَارَهُ ابْنُ جَرِيرٍ الطَّبْرِيُّ، وَ بِهِ يَقُولُ أَهْلُ التَّوْرَةِ» (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۲: ۱۲۷).

سوم: «يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ» (روز دوشنبه): «قَالَ ابْنُ إِسْحَاقَ، وَ بِهَذَا يَقُولُ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ». «وَ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ وَ كَعْبُ وَ الضَّحَّاكُ وَ مُجَاهِدٌ وَ اخْتَارَهُ الطَّبْرِيُّ بَدَأَ بِالْخَلْقِ يَوْمَ الْأَحَدِ وَ بِهِ يَقُولُ أَهْلُ التَّوْرَةِ، وَ قِيلَ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَ بِهِ يَقُولُ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ» (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۲: ۱۲۷).

در حدیث اول: ابوهریره نخستین راوی در اسلام است که متهم به دروغ‌گویی است و بسیاری از صحابه از جمله عمر، عثمان و عایشه به او لقب کذاب داده‌اند (ر.ک: ذهبی، بی‌تا، ۲: ۶۰۸). ابن ابی‌الحدید شافعی معتزلی، به نقل از استادش ابو جعفر اسکافی نوشته است: «از علی (ع) روایت شده که فرمود: آگاه باشید که دروغ‌گوترین مردم و یا دروغ‌گوترین فرد نزد رسول خدا (ص) ابوهریره‌ی دوسی است» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ۴: ۶۸؛ قمی، ۱۳۸۹ق، ۱: ۱۷۹).

وی با آن‌که حداکثر چهار سال حضور پیامبر اسلام (ص) را درک کرده بود اما بالغ بر ۵۳۷۴ حدیث از پیامبر (ص) نقل کرده است. فراوانی احادیثی که از ابوهریره روایت شده است امری است که از همان دهه‌های نخستین اسلامی حساسیت برانگیز بود. شمس‌الدین ذهبی، از بزرگ‌ترین عالمان رجالی اهل سنت می‌نویسد: «سائب بن یزید از عمر شنید که به ابوهریره می‌گفت: یا نقل حدیث از پیامبر (ص) را ترک می‌کنی و یا تو را به سرزمین دوس (سرزمین مادری ابوهریره) تبعید می‌کنم» (نصری، بی‌تا، ۱: ۷۳). ابن حجر عسقلانی نیز درباره او می‌گوید: وی روایاتی از اهل کتاب گرفته و آن را به پیامبر (ص) و اصحاب نسبت می‌داد (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ۴: ۲۰۲). همچنین بخاری و ابن کثیر و عده‌ای دیگر گفته‌اند که ابوهریره این حدیث را از کعب الاحبار گرفته است، زیرا این حدیث با نص قرآن سازگار نیست، چرا که در قرآن آمده است که خدا آسمان

و زمین را در شش روز آفریده است. به طور کلی ائمه حدیث بر این امر اذعان داشته‌اند که این حدیث از اسرائیلیات بوده و ابوهریره آن را از کعب الاحبار اخذ کرده است (رک: ابن کثیر، ۱۹۹۲م، ۲: ۵۳۱؛ بخاری، ۱۳۸۸ش، ۲: ۱۶).

از دیگر روایان احادیث فوق، ابواسحاق کعب بن ماته حمیری معروف به کعب الاحبار از دانشمندان یهودی و مشهور در نقل و ترویج اسرائیلیات است. این یهودی به ظاهر مسلمان به کمک برخی از صحابه از جمله ابوهریره توانست بیشترین نقش را در نقل و گسترش خرافات و داستان‌های دروغ و جعلی داشته باشد (رک: ابن اثیر، ۲۰۰۹م، ۱: ۳۹۸؛ عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ۵: ۶۵۰؛ ذهبی، بی‌تا، ۳: ۴۸۹؛ حسینی طهرانی، ۱۳۹۳ش، ۱۸: ۳۱۰). یکی دیگر از روای حدیث بالا، عبدالله بن سلام است که وی نیز با تدلیس، احادیث زیادی را جعل نموده و اسرائیلیات فراوانی را به متون تفسیری مسلمانان وارد کند (زبرالربعی، بی‌تا، ۱: ۴؛ اصفهانی، ۱۹۹۸م، ۳: ۱۶۶۳؛ ذهبی، بی‌تا، ۴: ۵۴۶).

### ۳-۴. روایت چهارم

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَيْرَ يَوْمَ الْأَحَدِ وَمَا كَانَ لِيَخْلُقَ الشَّرَّ قَبْلَ الْخَيْرِ وَفِي يَوْمِ الْأَحَدِ وَالْإِثْنَيْنِ خَلَقَ الْأَرْضَيْنِ وَخَلَقَ أَقْوَاتَهُمَا فِي يَوْمِ الثَّلَاثَاءِ وَخَلَقَ السَّمَاوَاتِ فِي يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ وَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَخَلَقَ أَقْوَاتَهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۱۴۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ۳: ۱۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۲: ۲۰۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ۲: ۳۳۷).

لازم به ذکر است که همه روایان این حدیث، ثقه هستند. حدیث معنعن بوده اما به جهت اتصال سند تا معصوم، بعید است بتوان آن را به لحاظ سندی جز احادیث ضعیف به حساب آورد (رک: کشی، ۱۴۰۹ق، ۵۳۳؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ۲۳۱؛ نجاشی، ۱۴۰۸ق، ۳۵۳؛ موسوی خویی، ۱۴۰۹ق، جزء الحادی عشر).

اما همان‌طور که در نقد روایات سابق، طرح گردید عدم حجیت خبر واحد در تفسیر و تکوینات، می‌تواند یکی از نقدها و ملاحظات این‌گونه روایات باشد. البته لازم به ذکر است که حتی اعتبار سند، علت تامه برای اعتبار متن نبوده و نمی‌تواند مانعی برای بررسی درون متنی حدیث باشد؛ بنابراین محتوای حدیث در ادامه بحث مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۳-۵. روایت پنجم

«رواه ابن جریر و غیره صححوه عن ابن عباس: أَنَّ الْيَهُودَ أَتَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَأَلَتْهُ عَنْ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَقَالَ خَلَقَ اللَّهُ الْأَرْضَ يَوْمَ الْأَحَدِ وَالْإِثْنَيْنِ وَخَلَقَ الْجِبَالَ وَ مَا فِيهِنَّ مِنْ مَنَافِعَ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ وَخَلَقَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ الشَّجَرَ وَالْمَاءَ وَالْمَدَائِنَ وَالْعُمُرَانَ وَالْخَرَابَ فَهَذِهِ أَرْبَعَةٌ فَقَالَ تَعَالَى: قُلْ أَيْنَ كُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ إِلَى قَوْلِهِ: فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلسَّائِلِينَ وَخَلَقَ يَوْمَ الْخَمِيسِ السَّمَاءَ وَخَلَقَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ النُّجُومَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَ الْمَلَائِكَةَ إِلَى ثَلَاثِ سَاعَاتٍ بَيِّنَ مِنْهُ فَخَلَقَ فِي أَوَّلِ سَاعَةٍ مِنْ هَذِهِ الثَّلَاثِ الْأَجَالِ حِينَ بُمُوتِ مَنْ مَاتَ وَفِي الثَّانِيَةِ أَلْقَى الْأَفْةَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مِمَّا يُنْتَفَعُ بِهِ وَفِي الثَّلَاثَةِ خَلَقَ آدَمَ وَاسْكَنَهُ الْجَنَّةَ وَ أَمَرَ إِبْلِيسَ بِالسُّجُودِ لَهُ وَ أَخْرَجَهُ مِنْهَا فِي آخِرِ سَاعَةٍ قَالَتَا الْيَهُودُ ثُمَّ مَاذَا يَا مُحَمَّدُ قَالَ: ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ قَالُوا قَدْ أَصَبْتَ لَوْ أَتَمَّمْتَ قَالُوا ثُمَّ اسْتَرَاحَ فَغَضِبَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ غَضَبًا شَدِيدًا فَنَزَلَ وَ لَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ مَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ»؛

از ابن عباس است که یهود نزد پیغمبر (ص) آمدند و از خلق آسمانها و زمین پرسیدند، فرمود: خدا زمین را روز یکشنبه و دوشنبه آفرید، کوهها و منافع آنها را روز سه شنبه، در چهارشنبه درخت و آب و شهرها و آبادانی و ویرانی را آفرید. این شد چهار روز و خدای تعالی فرمود: «بگو آیا شما کافرید به آن که آفرید زمین را در دو روز- تا گفت- در چهار روز برابر برای پرسش کنان» روز پنجشنبه آسمان را آفرید و روز جمعه اختران و خورشید و ماه و فرشتهها تا سه ساعت به غروب که در اول ساعت آن برگها را آفرید، هنگامی که می میرد هر که مرده و در دوم آفت برای هر سودمند آفرید، و در سوم آدم را آفرید و در بهشت جای داد و ابلیس را فرمود بر او سجد کند، و در ساعت آخر او را بر آورد. یهود گفتند: سپس چه شد ای محمد؟ فرمود: سپس استوار شد بر عرش، گفتند درست گفستی اگر تمامش می کردی، و خودشان گفتند: سپس آریم در خشم شد بسختی و این آیه نازل شد «و البته که آفریدیم آسمانها و زمین را و آنچه میان آنهاست در شش روز و هیچ خستگی بما نرسید شکبیا باش بر آنچه می گویند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۴: ۲۰۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ۵: ۱۱۶؛ مکی بن حموش، ۱۴۲۹ق، ۱: ۲۰۹؛ شمس شامی، ۱۴۱۴ق، ۳: ۱۱۸). مرسل بودن این روایت، از اشکالات مهم و عمدۀ آن می باشد.

### ۳-۶. روایت ششم

«وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ مِنْ دُخَانٍ ثُمَّ ابْتَدَأَ خَلْقَ الْأَرْضِ يَوْمَ الْأَحَدِ وَ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ: أَيْنَكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ ثُمَّ قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي يَوْمِ الثَّلَاثَاءِ وَ يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ فَذَلِكَ قَوْلُهُ: وَ قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سِوَاءٍ لِلسَّائِلِينَ ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَسَمَكَهَا وَ زَيَّنَّهَا بِالنُّجُومِ وَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ أَجْرَاهُمَا فِي فَلَكِهِمَا وَ خَلَقَ فِيهَا مَا شَاءَ مِنْ خَلْقِهِ وَ مَلَائِكْتِهِ فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ وَ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ خَلَقَ الْجَنَّةَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ خَلَقَ آدَمَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ: خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ سَبَتَ كُلُّ شَيْءٍ يَوْمَ السَّبْتِ فَعَظَمَتِ الْيَهُودِيَّ وَ السَّبْتِ لِأَنَّهُ سَبَتَ فِيهِ كُلُّ شَيْءٍ وَ عَظَمَتِ النَّصَارَى يَوْمَ الْأَحَدِ لِأَنَّهُ ابْتَدَأَ فِيهِ خَلْقَ كُلِّ شَيْءٍ وَ عَظَمَتِ الْمُسْلِمُونَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِأَنَّ اللَّهَ فَرَّغَ فِيهِ مِنْ خَلْقِهِ وَ خَلَقَ فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتَهُ وَ خَلَقَ فِيهِ آدَمَ وَ فِيهِ هَبَطَ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَى الْأَرْضِ وَ فِيهِ قُبِلَتْ فِي الْأَرْضِ تَوْبٌ»؛

از ابن عباس که گفت: خدا آسمان‌ها را از دود آفرید، سپس خلق زمین را آغاز کرد در روز یکشنبه و روز دوشنبه و این است قول او «آیا شما کافر شوید به آن که آفرید زمین را در دو روز» سپس قوت‌هایش مقرر کرد در روز سه‌شنبه و چهارشنبه و این است قولش «و مقدر کرد در آن اقواتش را در چهار روز برابر برای پرسش‌کنان، سپس استوار شد بسوی آسمان و آن دود بود، و آن را برافراشت و آراست به اختران و خورشید و ماه و گردانشان در فلکشان، و آفرید در آن‌ها هرچه خواست از خلقتش و فرشته‌هایش را روز پنجشنبه و روز جمعه، و آفرید بهشت را روز جمعه و آدم را روز جمعه، و این است قول خدا «آفرید آسمان‌ها و زمین را در شش روز» و به پایان رسید و ثبت کرد همه چیز را در روز شنبه. یهود روز شنبه را بزرگ دارند برای آن‌که در آن هر چیزی پایان یافت و نصاری روز یکشنبه را بزرگ دارند برای آن‌که در آن خلق هر چیزی آغاز شد، مسلمین روز جمعه را بزرگ دارند که خدا از آفرینش فراغت یافت، رحمتش را در بهشت آفرید، آدم را آفرید، در آن آدم از بهشت به زمین فرود شد، در آن بود که در زمین توبه‌اش پذیرفته شد و این است بزرگ‌تر از همه (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۵: ۳۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۴: ۲۱۰). این روایت تنها در منابع مذکور نقل شده و سندی دیگر برای آن یافت نگردیده است.

### ۳-۷. روایت هفتم

«عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ يَوْمًا فَسَمَّاهُ الْأَحَدَ ثُمَّ خَلَقَ ثَانِيَةً فَسَمَّاهُ الْإِثْنَيْنِ ثُمَّ خَلَقَ ثَالِثًا فَسَمَّاهُ الثَّلَاثَاءَ ثُمَّ خَلَقَ رَابِعًا فَسَمَّاهُ الْأَرْبَعَاءَ وَ خَلَقَ خَامِسًا فَسَمَّاهُ الْخَمِيسَ فَخَلَقَ

اللَّهُ الْأَرْضَ يَوْمَ الْأَحَدِ وَالْإِثْنَيْنِ وَخَلَقَ الْجِبَالَ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ وَلِذَلِكَ يَقُولُ النَّاسُ إِنَّهُ يَوْمٌ ثَقِيلٌ وَخَلَقَ مَوَاضِعَ الْأَنْهَارِ وَالشَّجَرِ وَالْقُرَى يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَخَلَقَ الطَّيْرَ وَالْوَحْشَ وَالسَّبَّاعَ وَالْهَوَامَّ وَالْآفَاقَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَفَرَعَ مِنَ الْخَلْقِ يَوْمَ السَّبْتِ»؛ از ابن عباس آمده است که خداوند تعالی روزی را آفرید و احدش نامید و دومی آفرید اثنین نامید و سومی و ثلثاء نامید، چهارمی و اربعاء نامید و پنجمی و خمیس نامید، خدا زمین را روز یکشنبه و دوشنبه آفرید و کوهها را روز ثلثاء، و از این رو مردم گویند روز سنگینی است، و جای نهرها و درخت و آبادیها را در اربعاء آفرید و پرنده و وحش و درندهها و خزندهها و آفت را روز پنجشنبه آفرید و آدم را روز جمعه، روز شنبه از آفرینش فراغت یافت (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۵: ۳۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۶: ۲۷).

در کتب رجالی درباره «غالب بن غیلان» آمده است که «فبان أن غالباً لم يُدرِكْ ابنَ عَبَّاسٍ، إِذْ أُدْخِلَ بَيْنَهُمَا الْعَطَاءُ» (فالوجی، ۱۴۲۶ق، ۲: ۴۴۷؛ الحوینی، ۲۰۰۷م، ۳: ۵). بنا بر گفته رجالیون اصالت این حدیث مشخص و روشن نمی‌شود. به‌طورکلی درباره اسانید و روایان احادیث مورد بحث باید گفت که این احادیث غالباً متصل و مستند به کلام معصوم نیستند و در بعضی از موارد روایان، متهم به کذب هستند. در موارد دیگر نیز سلسله روایان یا ذکر نشده‌اند یا به‌طور مبهم و مقطوع بیان شده‌اند و به لحاظ سلسله سند و مباحث درایه‌الحدیث اعتبار لازم را ندارند. بنابراین اعتبار و حجیت احادیث مذکور به لحاظ سندی محل بحث است؛ زیرا اغلب آن‌ها متصل نبوده و از احادیث «مرسل» به شمار می‌روند.

#### ۴. نقد محتوایی و دلالتی روایات

نقد درونی حدیث به معنای سنجش آن با اصول و معیارهای استوار و متقن در ناحیه متن و دلالت‌های آن حدیث می‌باشد که برای جداسازی حدیث صحیح از ضعیف و موضوع کارآمد است. مهمترین این معیارها قرآن، سنت، عقل و علم قطعی هستند (مسعودی، ۱۳۹۴ش، ۱۷۲-۱۷۴). پس از نقد و بررسی سندی احادیث بالا، با تکیه بر اصول نقد درون متنی حدیث، به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

#### ۴-۱. عرضه احادیث سته‌ایام به قرآن و روایات

قرآن معتبرترین سند و قطعی‌ترین نص مکتوب مسلمانان است که منزه از هر نوع تحریف و زیاده و نقصان است و محفوظ به نگاهبانی خالق عزیز و مقتدر است (الحجر: ۹)،

همچنین باطل و خرافه به هیچ وجه در آن راه ندارد (فصلت: ۴۲) و از آنجا که متصل به منبع وحی و علم بی‌پایان خدای سبحان است، پس اصیل‌ترین معیار سنجش حق و باطل است. از این رو سخنی که در مخالفت با قرآن باشد فاقد حجیت بوده و از درجه اعتبار، ساقط است. گفتار و رهنمودهای رسول مکرم اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) پس از ایشان به عنوان عدل و هم‌سنگ قرآن، نیز مبنی بر همین اصل است که در صورت مخالفت احادیث با کلام الله و روایات قطعی، آن را رها کنیم (رک: کلینی، بی‌تا، ۱: ۶۹). با تکیه بر این اصل با بررسی و مقایسه احادیث فوق، در چند مورد به مغایرت مفاد این احادیث با آیات و روایات می‌رسیم.

**الف-** از جمله محورهای مشترک همه این احادیث، انتساب زمان آغاز خلقت به یکی از روزهای هفته و روزهای معهود ذهن ماست و به عبارتی به وجود روز و شب قبل از خلقت آسمان و زمین اذعان دارند. این درحالی است که با مراجعه آیات قرآن، خلاف این موضوع به دست می‌آید. در آیه اول سوره انعام آمده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ» (الأنعام: ۱) در این آیه خداوند بر خلاف احادیث یاد شده، قرار دادن شب و روز را پس از خلقت آسمان و زمین معرفی می‌کند. فخر رازی در باره فعل «جَعَلَ» در این آیه می‌گوید: چون «جَعَلَ» در اینجا تنها یک مفعول دارد، به معنای «آفریدن» و «پدیدآوردن» است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۲، ۴۷۸). همچنین علامه طباطبایی در تفسیر این آیه معتقد است: «چون «خَلَقَ» زمانی به کار می‌رود که آفرینشی از ترکیب اشیاء مختلف صورت گیرد و چون نور و ظلمات از ترکیب چیزی با چیز دیگر موجود نشده‌اند به جای خلقت تعبیر «جَعَلَ» به کار رفته است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۷: ۷).

لازم به ذکر است که «خَلَقَ» مقدم بر «جَعَلَ» است. زیرا با توضیحاتی که پیش‌تر بیان شد، فهمیده می‌شود که ابتدا باید از ترکیب چند ماده، زمین و آسمان خلق شوند و پس از خلق آن‌ها شب و روز جعل شوند. چرا که «خلق» بر اصل وجود چیزی تعلق می‌گیرد و «جعل» بر تبعات و ویژگی‌هایی که مترتب بر وجود آن چیز است، افاده معنا می‌کند. به بیان ساده‌تر می‌توان گفت که تا چیزی به منصف ظهور و عرصه وجود نرسد متعلقات وابسته به آن امکان وجود نخواهند داشت. با این وصف مغایرت این احادیث با قرآن آشکار است. زیرا ابتدا باید آسمان و زمین خلق شوند تا از حضور و چرخش آن‌ها شب و روز جعل شده و پدید آیند؛ در حالی که در این قبیل روایات ترتب زمانی شب و روز را که مجعول خلقت آسمان و زمین است مراعات نکرده است.

ب- در احادیث فوق از قول کعب الاحبار و ابوهریره و عبدالله بن سلام آمده که خداوند پس از خلق آسمان و زمین و دیگر پدیده‌ها روز شنبه را به استراحت پرداخت. با نگاهی به مبانی توحیدی و شواهد قرآنی و اوصاف الهی، مسأله فراغت از آفرینش و استراحت پس از انجام کاری با این مبانی کاملاً مغایر و متضاد است. زیرا با نگرشی به صفات سلبی خداوند باید گفت: «خداوند واجب‌الوجود بالذات است و ترکیب و جسمیت و احساس تعب و خستگی علامت فقر و احتیاج بوده و با وجوب وجود ذاتی منافات دارد (رک: ربانی گلیپاگانی، ۱۳۸۹ش، ۱۲۶). چراکه استراحت پس از فارغ‌شدن از خلقت، در واقع اثبات جسمانیت و مادیت برای خداوند است در حالی که ذات کبریایی خداوند میرا از این اوصاف است (صدوق، ۱۳۸۴ش، ۱۱۷).

خداوند در قرآن در آیه ۲۹ سوره الرحمن می‌فرماید: «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» و با نظر به مفاد این آیه شریفه فراغت از آفرینش برای او خداوند مردود است. همچنین در آیه ۳۸ سوره ق آمده است: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ». درست به همین دلیل است که در بخش انتهایی آیه می‌بینیم خداوند رسیدن هرگونه تعب و سختی به خود در پس خلق عالم را نفی و سلب می‌کند.

ج- همچنین در حدیثی که از ابوهریره نقل کرده بود، آمده است که: «خدا زمین را روز شنبه آفرید و کوه‌های آن را روز یک‌شنبه آفرید و درختان را روز دوشنبه و بدی‌ها را روز سه‌شنبه و نور را روز چهارشنبه آفرید و در روز پنج‌شنبه جنبنندگان را در زمین پراکنده ساخت و در انتهای خلقت، آدم (ع) را در عصر روز جمعه و در آخرین ساعت آن میان عصر و شب را بیافرید».

در این روایت علاوه بر ایرادات فوق‌الذکر، زمان خلقت را هفت روز دانسته و این درحالی است که خداوند در قرآن کریم به آفرینش خلقت در شش روز تصریح کرده و می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ: خداست که آسمان‌ها و زمین را و آنچه را میان آن‌هاست در شش روز آفرید» (سجده: ۴).

د- یکی دیگر از ایرادات وارده بر حدیث مورد بحث که با آیات قرآن نیز در تضاد است، این مسأله است که در پایان حدیث منقول از ابوهریره، می‌گوید که خداوند پس از خلقت آسمان و زمین و هر آنچه بین آن دو است، در عصر جمعه، آدم (ع) را خلق کرد. در این‌که به لحاظ ترتب زمانی خلقت حضرت آدم (ع) پس از خلقت آسمان و زمین و سایر پدیده‌هاست بحثی نیست، اما آن‌چه که در اینجا با روایات در تضاد و



تناقض است این است که فاصله بین خلقت آدم (ع) و سایر پدیده‌ها نمی‌تواند آنقدر کوتاه باشد؛ زیرا از نظر آیات و روایات قدر مسلم آن است که پیش از حضرت آدم (ع) انسان‌ها یا موجوداتی شبیه به آن‌ها در روی زمین زندگی کرده‌اند.

در سوره البقره و در ماجرای اعتراض و پرسش ملائکه از خداوند آمده است که زمانی که خداوند فرشتگان را نسبت به تصمیم و اراده‌اش برای خلقت و جانشینی انسان آگاه می‌کند، آن‌ها در جواب گفتند: «قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ» (البقره: ۳۰).

یکی از احتمالات بسیار قوی که در ذیل این آیه در رابطه با این سوال که: ملائکه از کجا می‌دانستند و این چنین با یقین از خداوند پرسیدند که «آیا می‌خواهی در زمین مخلوقی پدیدآوری که در زمین خون‌ریزی و فساد کند؟» مطرح است و توسط روایات متعدد هم تقویت می‌شود این است که قبل از خلقت حضرت آدم (ع) در روی زمین موجوداتی شبیه انسان زندگی می‌کرده‌اند که در زمین فساد و خونریزی زیادی داشته‌اند و ملائکه با تداعی ماجرای آن‌ها از خداوند چنین پرسشی را مطرح نمودند (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۱: ۱۷۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ ش، ۱: ۱۷۴) با جستجوی منابع و جوامع حدیثی؛ مجموعه‌ای از احادیث متعدد در این باره به دست خواهد آمد که این تفسیر را تقویت و تأیید می‌نماید که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

در حدیثی درباره این آیه از حضرت علی (ع) نقل شده است: «وقتی که خدای متعال اراده کرد که خلقتی را به دست قدرت خود ایجاد کند و این امر بعد از گذشت هفت هزار سال از خلقت جن و انس در زمین بود، آن‌گاه خداوند از طبقات آسمان‌ها پرده برداشت و به ملائکه فرمود: به زمین بنگرید و اهل آن از جن و انس را ببینید، پس وقتی که نگاه کردند و اعمال معصیت‌آمیز آن‌ها را دیدند، بر ایشان بسیار دشوار بود ... ملائکه گفتند: تو منزهی از این‌که در زمین، موجودی را بیافرینی که همان‌طور که جنیان در زمین فساد می‌کردند، در آن فساد و و خون‌ریزی کنند (صدوق، ۱۳۹۰ ش، ۱: ۱۰۵). علاوه بر این‌ها روایات متعدد دیگری نیز در این باره وجود دارد که از باب نمونه دو مورد ذکر خواهد شد:

امام محمدباقر (ع) فرموده‌اند: خدای عزوجل از روزی که زمین را آفریده، هفت عالم را در آن خلق (و سپس منقرض کرده است) که هیچ‌یک از آن عوالم از نسل آدم ابوالبشر نبوده‌اند و خدای تعالی همه آن‌ها را از پوسته روی زمین آفرید و نسلی را بعد از نسل دیگر ایجاد کرد و برای هر یک، عالمی بعد از عالم دیگر پدید آورد تا در آخر، آدم ابوالبشر را بیافرید و ذریه‌اش را از او منشعب ساخت (صدوق، ۱۳۸۹ ش، ۲: ۶۵۲).

همچنین امام صادق (ع) در جای دیگر می‌فرماید: شاید شما گمان می‌کنید خدای عزوجل غیر از شما هیچ بشر دیگری را نیافریده است. نه، چنین نیست؛ بلکه هزار هزار آدم آفریده که شما از نسل آخرین آن‌ها هستید (صدوق، ۱۳۸۴ ش، ۱: ۲۷۷). بنابراین خلقت حضرت آدم (ع) در عصر جمعه و بلافاصله بعد از آفرینش آسمان و زمین مغایر با آیات و روایات است.

#### ۴-۲. مخالفت با عقل و علم قطعی

**الف- حرکت وضعی زمین، به حرکت و چرخش زمین، حول محور خود در طول ۲۴ ساعت و در گردش اطراف خورشید اطلاق می‌شود که در اثر این چرخش قسمتی از زمین که در معرض نور خورشید و روبه‌روی آن قرار می‌گیرد روز و قسمت دیگر آن شب خواهد بود. پس بدون وجود زمین و خورشید تبعاً وجود روز و شب معنایی نخواهد داشت. به عبارت ساده‌تر روز و شب معلول وجود آسمان و زمین و گردش زمین به دور خود و حول محور خورشید خواهد بود. با توجه به قانون تخلف‌ناپذیر علیت (مطهری، ۱۳۹۰ ش، ۱۵۰؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹ ش، ۸۴) که حتی معجزه که پدیده‌ای فوق‌توان بشر عادی است هم از این قانون تبعیت دارد (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۴ ش، ۱۲۸) باید گفت: پیدایش شب و روز قبل از علت خود، نمی‌تواند وجود خارجی داشته باشد، زیرا معلول هرگز نمی‌تواند بر علت خود پیشی گرفته و قبل از علت خود به منصفه ظهور و بروز برسد.**

قرآن هم قانون علیت را تایید کرده و با تدبیر در آن درمی‌یابیم که نظام عالم امکانی، نظام سبب و مسببی بوده و استثناپذیر نیست. به عنوان نمونه؛ خداوند در آیه ۲۲ سوره بقره به تاثیر آب در پیدایش میوه‌ها و گیاهان تصریح می‌کند. یا در جای دیگر به صراحت از باد به عنوان اسباب و علل تکوینی برای حرکت ابرها و گسترش آن‌ها در آسمان یاد می‌کند (الروم: ۴۸) (ن ک: الحج: ۵؛ البقره: ۲۶۱).

با این مقدمات آیا می‌توان پذیرفت که شب و روز پیش از خلقت آسمان و زمین به وجود آمده باشند؟!

**ب- یکی دیگر از مغایرت‌های مدلولات این احادیث با علم، ماجرای خلقت حضرت آدم (ع) با فاصله چند ساعته پس از آفرینش سایر پدیده‌هاست. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد بحث بر سر ترتب زمانی و تأخر خلقت حضرت آدم (ع) نیست، بلکه مسأله خلقت ایشان تنها بعد از چند ساعت پس از سایر پدیده‌هاست که این مسأله با**

توجه به آیات و روایات رد شد. اما برای روشن شدن هرچه بیشتر موضوع، بررسی آن به لحاظ علمی نیز مفید فایده خواهد بود.

یافته‌های باستان‌شناسی حاکی از آن است که عمر زمین به بیش از ۴/۵ میلیارد سال قبل می‌رسد، این در حالی است که عمر نخستین موجود زنده (نه انسان) ۳/۸ میلیارد سال قبل تخمین زده شده است (رک: Hillebrand, 2004, 192-211).

یعنی حتی بین پیدایش زمین و تولد نخستین موجود زنده (پروکاریوت یا تک‌سلولی) میلیون‌ها سال فاصله زمانی وجود دارد. این در حالی است که قدمت اولین انسان هوشمند (آدم ابوالبشر) کمی بیش از ۷۰۰۰ سال پیش برآورد شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۴: ۲۱۴). پس آفرینش حضرت آدم (ع) میلیاردها سال پس از پیدایش زمین صورت گرفته است (رک: مستشاری، ۱۳۸۹ش، ۳۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۱: ۷۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶ش، ۳: ۵۱۲).

از دیگر سو، باستان‌شناسان و دانشمندان زیست‌شناسی با بررسی سنگواره‌ها و مشاهده دیگر شواهد زیستی دریافتند که قبل از انسان‌های کنونی، موجوداتی به نام «نئاندرتال» (نسناس) در روی زمین می‌زیسته‌اند (دولت و افضل، ۱۳۹۴ش، ۱۱).

در تاریخ تمدن و یل دوران در این باره آمده است: «کهنه‌ترین سنگواره‌هایی که بی‌شک و تردید انسانی است، در نئاندرتال در نزدیک «دوسلدروف» آلمان در سال ۱۸۵۷ پیدا شده و ظاهراً چهل هزار سال قدمت دارد. شبیه به آن است، استخوان‌های انسان دیگری که در بلژیک و فرانسه و اسپانیا و حتی در سواحل دریای جلیل (فلسطین) یافت شده و همه این اکتشافات دانشمندان را بر آن داشته است که تصور کنند نوعی از انسان به نام نئاندرتال در حدود چهل هزار سال پیش از روزگار ما در تمام اروپا زیست می‌کرده است» (دورانت، ۱۳۷۸ش، ۱: ۱۴۲). بنابراین یافته‌ها با آنچه در حدیث منقول از ابوهریره و دیگر احادیث با مضمون مشابه آمده، کاملاً ناسازگار است.

#### ۳-۴. ورود اخبار اسرائیلی به احادیث تفسیری

دین اسلام برنامه‌ای منسجم و متکامل برای هدایت و سعادت دنیوی و اخروی بشر است، دینی است که بشر را بر قیام علیه ظلم فراخوانده و قوانینش سد محکمی برای مطامع دنیوی دنیاپرستان و مستکبران و زیاده‌خواهان است. از این رو آنان که از ریشه‌کن شدن اسلام و خاموشی و نابودی آن ناامید گشته و از دستبرد به قرآن مأیوس و عاجز شدند، درصدد آن برآمدند که با انحراف در عرصه حدیث و تفسیر به عنوان مبین مجملات

قرآن، عقاید مسلمانان و مبانی اسلام را سست کنند تا از این رهگذر به مقاصد شوم خود دست یابند. جاعلان احادیث انگیزه‌های متعددی برای کار خود داشتند که یکی از این انگیزه‌ها سرستیز یهودیت و مسیحیت با اسلام بود. به همین مقصود، بسیاری از عالمان یهود که از نابودی اسلام با حربه‌های گوناگون مأیوس شدند این بار با تظاهر به اسلام، در فکر آن بودند که اسلام را از دورن تهی کنند. از جمله این اشخاص می‌توان به کعب الاحبار و شاگردش ابوهیره اشاره کرد که نقش بسزایی در ورود اسرائیلیات به اسلام داشتند که این نفوذ، هوشیاری بسیار مسلمانان و محققان را می‌طلبد تا حدیث صحیح را از غیر آن باز شناسند.

بنابراین پس از بررسی سند و محتوای حدیث و ضرب آن‌ها به قراین و معیارهای اصیل، اگر تضادی مشاهده شد و منتج به احتمال ضعف یا جعل آن شد، پس به بررسی انگیزه‌های وضع آن حدیث می‌رویم که یکی از آن‌ها جعل توسط یهودیان برای گشودن باب طعن در اسلام خواهد بود (لازم به یادآوری است که نمی‌توان به صرف مشابهت احادیث با مفاد عهدین، به آن برچسب اسرائیلیات زد و یا این به معنای رد تمام مفاهیم عهدین - بخاطر داشتن ریشه توحیدی - نیست).

مقایسه و مطابقت مضمون احادیث مورد بحث با آموزه‌ها و متن عهدین از یک سو و مخالفت آن‌ها با آیات و روایات و یافته‌های قطعی علمی از دیگر سو، مخدوش و مجعول بودن این قبیل روایات را تقویت می‌نماید که در ادامه به بررسی چند مورد از این شواهد خواهیم پرداخت.

در تورات نیز خلقت پدیده‌ها در شش روز صورت می‌گیرد. خدا در شش روز، آسمان و زمین و سایر پدیده‌ها را آفرید و روز هفتم یعنی روز شنبه را به استراحت پرداخت؛ بدین جهت خداوند روز شنبه را مبارک گردانید و آن را مقدس شمرد (ر.ک: کتاب مقدس، ۱۳۸۳ش؛ تورات، سفر خروج، باب بیستم، آیه اول، باب سی و یکم، آیات ۱۷-۱۸).

در سفر پیدایش تورات درباره مراحل خلقت چنین آمده است: «در ابتدا خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید. و خدا گفت: «روشنایی بشود.» و روشنایی شد. و خدا روشنایی را روز نامید و تاریکی را شب نامید. و خدا گفت: «فلکی باشد در میان آب‌ها و آب‌ها را از آب‌ها جدا کند.» و خدا فلک را آسمان نامید. و خدا گفت: «آب‌های زیر آسمان در یک‌جا جمع شود و خشکی ظاهر گردد.» و چنین شد. و خدا گفت: «زمین نباتات برویاند علفی که تخم بیاورد و درخت میوه‌ای که موافق جنس خود میوه آورد که تخمش در آن باشد بر روی زمین.» و چنین شد. و خدا گفت: «تیرها در فلک آسمان باشند تا روز

را از شب جدا کنند و برای آیات و زمان‌ها و روزها و سال‌ها باشند. و تیرها در فلک آسمان باشند تا بر زمین روشنایی دهند.» و چنین شد. خدا دو تیر بزرگ ساخت؛ تیر اعظم را برای سلطنت روز و تیر اصغر را برای سلطنت شب و ستارگان را...» (ر.ک: کتاب مقدس، ۱۳۸۳ش؛ تورات، سفر پیدایش، باب اول، آیات ۱-۳۱).

چنان‌که از مطالعه تورات و سفر پیدایش به دست می‌آید خداوند روز و شب را قبل از تیر اکبر و تیر اصغر (خورشید و ماه) و حتی بعد از آفرینش نباتات پدید می‌آورد و به طور کلی رابطه علی و معلولی را نادیده گرفته و از آن تخطی می‌کند. البته این نادیده‌انگاری فقط منحصر به آفرینش روز و شب نیست؛ به طور مثال می‌دانیم که نور یکی از ارکان اصلی برای رشد نباتات است و بدون آن تقریباً رشد گیاهان ممکن نیست، اما در اینجا آفرینش نباتات مقدم است بر آفرینش ماه و خورشید که منبع تغذیه نوری گیاهان هستند.

به‌طور کلی و با نگاهی اجمالی درمی‌یابیم که سه مسأله اصلی در احادیث مورد بحث به طرز عجیبی بر این آیات منطبق است: ۱- خلقت روز و شب قبل از خلقت هرچیز. ۲- استراحت خداوند بعد از پایان یافتن آفرینش ۳- قداست روز شنبه که در تعالیم یهود جایگاه و تقدس ویژه‌ای دارد.

به‌ویژه آن‌که کعب الاحبار و ابوهریره و عبدالله بن سلام که مشهورترین چهره‌ها در ورود اسرائیلیات به تعالیم اسلامی بوده، ناقلان و راویان احادیث مورد بحث هستند؛ مَهْری است در تایید این مطلب که بسیاری از این احادیث از اسرائیلیات بوده و با دسیسه و برای گشودن باب طعن، به منابع حدیثی و تفسیری ما وارد شده‌اند. پس از اثبات ضعف سندی و متنی این سخنان به‌ظاهر حدیث، با مراجعه به عهدین می‌بینیم که هرچقدر این احادیث با منابع اسلامی و عقلانی و علمی متضاد هستند با تعالیم عهدین هم‌سو هستند.

با مقایسه این احادیث به وفور تناقض و اختلاف یافت می‌شود و اضطراب در متن به حدی زیاد است که هر خواننده‌ای با یک مقایسه ساده بین آن‌ها به راحتی به این مسأله پی خواهد برد. برای آن‌که کلام بیش از این اطلاع پیدا نکند به همین موارد بسنده می‌شود. گفتنی است هرچقدر این احادیث با هم منافات دارند با متن کتب مقدس هم‌خوانی دارند، تا جایی که حتی در خود حدیث نیز به آن تصریح می‌شود، مانند حدیث شماره ۲ که راوی در پایان آن با عبارت «تَهَوَّدَتِ الْيَهُودُ يَوْمَ السَّبْتِ» پرده از نیت خود بر می‌دارد.

## ۵. دیدگاه برگزیده در تفسیر عبارت «سِتَّةَ آيَاتٍ»

قرآن کریم دایرةالمعارفی از موضوعات مختلف است که به فراخور نیاز انسان در مسیر کمال و سعادت ذاتی او، از سوی خداوند متعال نازل گشته است. هم‌چنان که علامه طباطبایی در این خصوص فرمودند: «قرآن علی‌رغم هدف نزول که انسان‌سازی و هدایت است و تمامی مطالب آن در راستای رشد، تربیت و تکامل اوست. لکن اشاراتی گذرا بر مسائل علمی و اسرار وجود دارد که نشان از اعجاز علمی قرآن است» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۱: ۵۹).

ایشان معتقد است عظمت قرآن برای دانشمندان با گسترش روزافزون علم و دانش، روز به روز بیشتر شده است. اما از نظر ایشان تفسیر این آیات توسط برخی از مفسران که با رأی خود، آیات را تاویل نموده‌اند، تطبیق است و بهتر است نام تفسیر بر آن اطلاق نگردد (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۱: ۱۶). تفاسیر و تعابیر متعدد در باب تفسیر عبارت «سِتَّةَ آيَاتٍ» نشان می‌دهد این‌گونه برداشت‌ها صرفاً بر اساس قریحه مفسر و بر اساس ظنیات است؛ باید دید صحیح‌ترین تفسیر برای این عبارت چیست؟

### ۵-۱. «سِتَّةَ آيَاتٍ» شش دوره و برهه از زمان

برخی از مفسران (شیعه)، «یوم» را به معنای مقدار معینی از زمان (دوره) در نظر گرفته‌اند و گفته‌اند که منظور از «یوم»؛ لزوماً همین شب روز دنیایی و معهود ذهن ما که حاصل یکبار گردش زمین به دور خود و فاصله میان طلوع خورشید تا غروب آن نیست، زیرا روز، خود ظرف برای بخش و مقداری از زمان است. به‌عنوان نمونه روز برای ساکنان زمین با روز در قمر که برابر بیست و نه روز و نصف است متفاوت است. پس واژه «یوم» به معنای برهه‌ای از زمان و دوره طولانی، استعمالی شایع دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۱: ۱۵۰).

البته به نظر می‌رسد که این نظریه به صحت نزدیکتر باشد و بهترین تفسیر برای این عبارت تفسیر آن به «مرحله و دوره» است. طرفداران این نظریه از جمله علامه طباطبایی، شواهدی را در تأیید نظر خود ارائه کرده‌اند:

با بررسی واژه «یوم» در کتب لغت روشن می‌گردد که «یوم» در معانی مختلفی به کار می‌رود. گاهی منظور از «یوم» مقدار زمان میان طلوع و غروب آفتاب است و گاهی به برهه‌ای از زمان کوتاه یا طولانی گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۴: ۵۵۱). از سوی دیگر کلمه یوم و ایام، بارها در قرآن کریم استعمال شده و حداقل در سه معنا به کار رفته است.

۱- از طلوع خورشید تا غروب آن (البقره: ۱۹۶) ۲- برهه‌ای از زمان (ابراهیم: ۵؛ آل عمران: ۱۴۰) ۳- زمان خارج از مفهوم زمینی و متداول، مثل «یوم الآخر وَ یوم القیامه و...». و در بسیاری از موارد «یوم» به معنای شبانه روز معمول نیست. به عنوان نمونه به این آیات دقت کنید: «وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» (آل عمران: ۱۴۰)، «فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ» (یونس: ۱۰۲)، البته تعبیر دیگری مثل «یوم القیامه» در قرآن درباره مجموعه قیامت و رستاخیز که دورانی طولانی است بکار رفته است و از آن به «روز قیامت» یاد شده است. این درحالی است که از بعضی آیات قرآن چنین بر می‌آید که روز رستاخیز و رسیدگی به محاسبه اعمال مردم، پنجاه هزار سال طول می‌کشد (المعارج: ۴).

پس نمی‌توان بی‌قرینه و شاهد، معنای اول آن را برگزید، حتی اگر مخالف عقل و علم و... باشد. با نگاهی به روایات وارده از پیشوایان می‌بینیم که کلمه «یوم» در بسیاری از موارد به معنای دوران طولانی آمده است. مثلاً آنجا که حضرت علی (ع) در نامه ۷۲ در نهج البلاغه می‌فرماید: «الْدَّهْرُ یَوْمَانِ، یَوْمٌ لَكَ وَ یَوْمٌ عَلَیْكَ: دنیا برای تو دو روز است، روزی به سود توست و روزی به زیان تو» (دستی، ۱۳۷۹ش، ۶۱۵).

## ۶. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده چه در ناحیه اسناد و روایان و چه در ناحیه دلالت و محتوای حدیث و با توجه به دلایلی که در ادامه خواهد آمد مشخص شد که این احادیث یا مخدوش و ضعیف هستند یا مجعول و اسرائیلی:

۱- با بررسی اسانید این احادیث مشخص شد که روایات آن‌ها یا در نظر اهل حدیث و رجالیون، مشهور به وارد کننده اسرائیلیات در منابع حدیثی و تفسیری اسلامی هستند (مانند کعب الاحبار، عبدالله بن سلام و ابوهریره و...) و یا توسط علمای این عرصه متهم به کذب، اباحی‌گری یا دشمنی با اهل بیت (ع) و... هستند (مانند عکرمه و سهل بن زیاد و...). البته در میان روایان، کسانی مثل ابن عباس، ثقه و مورد اعتماد رجالیون هستند اما به دلیل این‌که احادیث منتسب به ایشان به کلام معصوم مستند و متصل نبوده و صرفاً اجتهاد شخصی ایشان است و کلام ایشان محفوف به قرینه‌ای نیست، احادیثی که از ایشان آمده بود، مستقلاً نمی‌تواند مورد استناد قرار بگیرند.

۲- در ناحیه بررسی‌های دلالتی و درون‌متنی نیز تناقضاتی با قرآن و سنت و عقل و علم قطعی به چشم می‌خورد. از جمله آن‌که در قرآن برخلاف این احادیث، جعل شب

و روز را متاخر از خلق آسمان و زمین می‌داند. همچنین در بعضی از روایات مثل روایت ابوهریره مدت زمان خلقت آسمان و زمین و دیگر پدیده‌ها را هفت روز می‌دانند و این در حالی است که قرآن به شش روز تصریح دارد.

۳- مفاد این احادیث با عقل و مستندات علمی در تنافی و تناقض هستند، زیرا عقل به استناد قانون علیّت و با تکیه بر قاعده تقدم زمانی و وجودی علت بر معلول احادیث فوق را به دلیل اینکه شب و روز را که معلول وجود خورشید و زمین بر وجود آن‌ها مقدم می‌دانند، رد می‌کند.

۴- همچنین یافته‌های علمی، حاکی از این است که مدت زمان شکل‌گیری آسمان و زمین و دیگر پدیده‌های نجومی سالیانی دراز و متمادی است، اما این احادیث با تمسک به ظاهر آیه و معنای ابتدایی واژه «یوم» مدت خلق کیهان را شش روز دنیایی می‌دانند.

۵- با تشکیل خانواده حدیثی متن این احادیث به شدت هم‌دیگر را نقض می‌کردند و تقریباً دو حدیث را نمی‌توان یافت که در ترتیب و مراحل خلق پدیده‌ها با هم اشتراک داشته باشند.

۶- در آخر با مقایسه این احادیث با تعالیم عهدین، هم‌سویی کامل این احادیث با آن‌ها کاملاً مشهود است و نتیجه آن‌که بسیاری از این احادیث از اسرائیلیات بوده و برای گشودن باب طعن به تفاسیر و تعالیم اسلامی به منابع اسلامی وارد شده‌اند. بنابراین بهترین بهترین تعبیر برای عبارت «سِتَّةَ أَيَّامٍ» تفسیر آن به مرحله و دوره است چنان‌که بسیاری از مفسران گفته‌اند.

## منابع

قرآن کریم.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، قم، مکتب آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۴ق.

ابن اثیر، علی بن محمد، اسدالغابه فی معرفة الصحابه، بیروت، دارالکتب العمیه، ۲۰۰۹م.

ابن جوزی، ابوالفرح عبدالرحمن بن علی، زادالمسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ق.

ابن عربی، محی الدین محمد، تفسیر ابن عربی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۲ق.

ابن عماد، عبدالحی، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، به کوشش ارنو و و و عرقسوسی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر ابن کثیر، بیروت، دارالمعرفة، ۱۹۹۲م.

احمد بن حنبل، مسند امام احمد بن حنبل، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۶ق.

اصفهانى، ابونعیم، معرفة الصحابه، ریاض، دارالوطن، ۱۹۹۸م.



- بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، مترجم: عبدالعلی نوراحراری، تربت جام، شیخ الاسلام احمد جام، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ش.
- بیاضی، علی بن یونس، الشراط المستقیم الی مستحقى التقدیم، به کوشش محمدباقر بهبودی، بی جا، المکتبه المرتضویه لاحیاء الجعفریه، بی تا.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التاویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۹ق.
- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، اسراء، چاپ ششم، ۱۳۸۶ش.
- حسینی طهرانی، سید محمدحسین، امام شناسی، تهران، مکتب وحی، ۱۳۹۳ش.
- حوینی، ابواسحاق، نثر النبیل بمعجم الرجال الذین ترجم لهم ابواسحاق الحوینی، قاهره، منشورات الدار تعبیر عن آراء اصحابنا الخاصه، ۲۰۰۷م.
- خانی، رضا، ترجمه بیان السعاده فی مقامات العباده، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲ش.
- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه احمد بطحایی و همکاران، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۸ش.
- دولت، محمدعلی؛ افضللی، علی، «بررسی تطبیقی تاریخی پیدایش انسان در زمین از نظر علم و آموزه های قرآنی و حدیثی»، پژوهش های علم و دین، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۵-۳۱.
- ذهبی، شمس الدین أبو عبدالله، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ق.
- ذهبی، محمدحسین، الاسرایلیات فی تفسیر و الحدیث، دمشق، لجنه النشر فی دارالایمان، بی تا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن الکریم، دمشق، دارالعلم الدار الشامیه، چاپ سوم، ۱۴۱۲ق.
- ربانی گلپایگانی، علی، «رابطه علم و دین در مسیحیت»، کیهان اندیشه، ۱۳۷۴ش، شماره ۶۴، صص ۱۲۳-۱۴۱.
- \_\_\_\_\_، ترجمه محاضرات فی الهیات، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه های علمیه، ۱۳۸۹ش.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، اعجازها و شگفتی های علمی قرآن، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۹ش.
- زاهدی، محمدصادق، ثمره هاشمی، سیداحمد، «رابطه علم و دین در آرای مطهری و بازرگان»، پژوهش های علم و دین، سال چهارم، ۱۳۹۲ق، شماره دوم، صص ۵۹-۷۶.
- زبرالربعی، ابوسلیمان محمدبن عبدالله، تاریخ مولد العلماء و فیاتهم، ریاض، دارالعاصمه، بی تا.
- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، داراحیاء الکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بحر العلوم، بی جا، بی تا.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، تفسیر سورآبادی، تهران، فرهنگ نشر نو، چاپ ششم، ۱۳۸۰ش.
- سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹ش.
- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر الماثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- \_\_\_\_\_، تفسیر جلالین، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
- شاذلی، سیدقطب بن ابراهیم، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ق.
- شمس شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی السیره خیر العباد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- صدوق، محمد بن علی، التوحید، ترجمه محمدعلی سلطانی، تهران: ارمغان طوبی، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش.
- \_\_\_\_\_، الخصال، ترجمه صادق حسن زاده، تهران، ارمغان طوبی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ش.

- صدوق، محمدبن علی، علل الشرایع، ترجمه حسین قاسمی، قم، وانک، ۱۳۹۰ش.
- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی التفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
- طوسی، محمدبن حسن، اختیار معرفة الرجال المعروف به رجال الکشي، مشهد، انتشارات مرکز تحقیقات و مطالعات دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۴۰۹ق.
- \_\_\_\_\_، التبیان فی التفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- عاملی، علی بن احمد (شهید ثانی)، الرعايه فی علم الدرایه، قم، مکتب آیه الله مرعشی، ۱۴۱۳ق.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
- عزت دورزه، محمد، التفسیر الحدیث، قاهره، دارالاحیاء الکتب العربیه، چاپ دوم، ۱۳۸۳ش.
- عسقلانی، ابن حجر، الاصابه فی تمييز الصحابه، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۱۵ق.
- فالوجی، اکرم زیاده، المعجم الصغیر لرواة الإمام ابن جریر الطبري، أردن، الدار الأثرية، ۱۴۲۶ق.
- فخر رازی، محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
- کشی، محمد بن عمر، رجال الکشي، اختیار معرفة الرجال، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)، ترجمه: فاضل خان همدانی، ویلیام گلن و هنری مرتن، تهران، اساطیر، ۱۳۸۳ش.
- کلینی، محمدبن یعقوب، اصول الکافی، ترجمه سیدجواد مصفوی، بی جا، کتاب فروشی علمیه اسلامی، بی تا.
- \_\_\_\_\_، الکافی، تهران، الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوارالجامعه لدرراخبار ائمه الاطهار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ش.
- مستشاری، علیرضا، تفسیر آیات برگزیده، قم، دفتر نشر معارف، چاپ سوم، ۱۳۸۹ش.
- مسعودی، عبدالهادی، وضع و نقد حدیث، قم، گلها، چاپ چهارم، ۱۳۹۴ش.
- مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۰ش.
- مصطفوی، زهرا، «آفرینش شش روزه و حرکت جوهری»، حکمت صدرايبي، بهار و تابستان ۱۳۹۲، شماره دوم، صص ۹۱-۹۸.
- مظهری، مرتضی، علل گرایش به مادگرایی، تهران، صدرا، چاپ سوم، ۱۳۹۰ش.
- مفید کلاتری، محبوبه، «مقدمه ای بر اهمیت زمین شناسی از دیدگاه قرآن»، قم، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۳ش، صص ۱۵-۳۳.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۲ش.
- مکی بن حموش، الهدایه الی بلوغ النهایه، امارات، جامعه الشارقه، ۱۴۲۹ق.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم، مؤسسه الخوئی الإسلامیه، ۱۴۰۹ق.
- مؤدب، سیدرضا، علو الدرایه تطبیقی، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، چاپ دوم، ۱۳۹۱ش.
- میلانی، سیدعلی، آیه التطهیر، بی جا، مرکز الابحاث العقائديه، ۱۴۱۲ق.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشي، قم، چاپ ششم، ۱۴۰۸ق.

نصری، عبد الرحمن، تاریخ اُبی زرعۃ الدمشقی، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.  
نیشابوری، مسلم بن حجاج، المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلی رسول الله  
صلی الله علیه وسلم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ق.  
هاوکنینگ، استیون ویلیام، جهان در پوست گردو، ترجمه محمدرضا محجوب، تهران، حریر، ۱۳۸۹ش.

Hillebrand, "On the Generality of the Latitudinal Gradient". *American Naturalist*. , 2004, 163  
(2): 192–211.